

طرح و برنامه در فقه اسلامی

عباس نیکزاد*

اشاره

این مقاله در نقد ادعای جناب آقای دکتر سروش در مورد فقه اسلامی است. ایشان مدعی است که فقه اسلام سراسر بیان احکام و حدود و ثغور افعال اختیاری انسان است، کاستی و نقص فقه اسلامی این است که برای زندگی انسان طرح و برنامه‌ای ارائه نمی‌دهد، بلکه به دنبال شکل‌گیری سبک خاصی از زندگی، احکام آن را بیان می‌کند، اما خود، طرح و برنامه‌ای برای سبک زندگی ارائه نمی‌دهد. ایشان این مدعا را در چند جا بیان کرده است که عجالتاً تنها به دو مورد آن اشاره می‌کنیم:

الف) «علم فقه علمی دنبال‌روست یعنی جامعه‌ساز و طراح و برنامه‌ریز نیست، بلکه وقتی جامعه ساخته شد و شکل و صبغه خاصی به خود گرفت، فقه احکام آن را صادر می‌کند فقها نه توسعه آوردند، نه بیمه، نه انتخابات، نه تفکیک قوا، نه بردگی را لغو کردند و نه نظام ارباب رعیتی را بلکه در مقابل همه اینها موضع‌گیری کردند و رفته‌رفته به آنها با اکراه رضایت دادند (سروش، ۱۳۷۸، ص ۲۱).

ب) «فقه مجموعه احکام است و حکم غیر از برنامه است و ما برای تدبیر معیشت به چیزی بیش از حکم احتیاج داریم، یعنی دقیقاً محتاج برنامه هستیم؛ بنابراین فقه

* استاد درس خارج فقه و اصول و دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بابل (nikzad37@yahoo.com).



برای تنظیم و برنامه‌ریزی معیشت دنیوی کافی نیست فقه حقوق دنیوی است همچنان‌که در بیرون حوزه دین و در جوامع غیردینی هم نظام حقوقی برای تنظیم امور دنیایی و فصل خصومت وجود دارد در جوامع دینی و در دایره نظام دینی به جای حقوق بشری و لائیک، فقه داریم که همان کار را انجام می‌دهد بنابراین وقتی می‌گوییم فقه برای زندگی ما در این جهان برنامه نمی‌دهد بدین معناست یعنی حکم می‌دهد ولی برنامه نمی‌دهد برنامه‌ریزی کار علم است نه کار فقه و به روش علمی نیازمند است (همو، ۱۳۷۸، ص ۲۵۳-۲۵۵).

ما در این مقاله درصدد نقد و بررسی این کاستی ادعایی آقای دکتر سروش برای فقه اسلامی هستیم. به نظر ما درست است که کار فقه، بیان انواع احکام اعم از حکم تکلیفی و حکم وضعی، حکم واقعی و ظاهری، مولوی و ارشادی، اولی و ثانوی ... است، اما بیان احکام منافاتی با دادن طرح و برنامه در موضوعات گوناگون ندارد. اگر تتبع و مطالعه‌ای در ابواب گوناگون فقه اسلامی داشته باشیم درمی‌یابیم که فقه در موضوعات و زمینه‌های مختلف، دارای طرح و برنامه حساب شده است. بر اساس این تتبع می‌توان نسنجیده‌بودن این سخن آقای دکتر سروش را که فقه، صرفاً عهده‌دار بیان احکام است و در فقه اسلامی طرح و برنامه مشاهده نمی‌شود را دریافت. ما در اینجا تنها به چند مورد از طرح و برنامه جالب و زندگی‌ساز فقه اسلام در موضوعات مختلف اشاره می‌کنیم. و معتقدیم با مطالعه و تتبع بیشتر می‌توان نمونه‌های فراوان دیگری از طرح و برنامه را در سراسر فقه مشاهده کرد:

طرح و برنامه‌ها در ابواب گوناگون

۱. در باب ارث

احکامی که شارع مقدس در فقه اسلامی در باب ارث منظور فرموده است بیانگر

طراحی و برنامه‌ریزی حساب‌شده و دقیق در این موضوع می‌باشد که تنها به نکاتی چند اشاره می‌کنیم:

۱. فقه اسلام به صاحبان اموال اجازه می‌دهد که در زمان حیات خویش هرگونه که خواسته‌اند البته به صورت مشروع در اموال خود تصرف کنند و این اختیار را به آن داده است که در کل اموال خویش هرگونه تصرف و نقل و انتقالی انجام دهند.

۲. برای پس از مرگ خویش اجازه داده است که تنها در ثلث اموال خویش وصیت کنند یعنی در ثلث اموال خویش آن‌گونه که مورد دلخواه آنهاست وصیت کنند و برای وراثت عمل به آن وصیت واجب و الزامی است.

۳. در باب ارث نسبت به تقسیم اموال به جای مانده از مورث در میان بازماندگان و وابستگان طرح و برنامه خاصی مشاهده می‌شود برای نمونه وراثت را در سه طبقه تقسیم‌بندی کرده است تا حتی یک نفر از طبقه قبلی وجود داشته باشد نوبت به طبقه بعدی نمی‌رسد این طبقه‌بندی بر اساس مقدار نزدیکی بازماندگان به مورث است و بر همین اساس طبقه اول نزدیک‌ترین خویشاوندان به مورث مورد نظر قرار گرفتند یعنی والدین و فرزندان و فرزندان آنها و در طبقه دوم خویشاوندان نزدیک‌تر بعد از طبقه اول یعنی اجداد و خواهران و برادران و فرزندان آنها و در طبقه سوم خویشاوندان دورتر یعنی عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌ها و فرزندان آنها.

در این برنامه‌ریزی تقسیم اموال میان هریک از بستگان به صورت دقیق مشخص شده است. چنان‌که گفته شد تا یک نفر از طبقات قبلی وجود دارد نوبت به طبقه بعدی نمی‌رسد. ۴. جالب اینکه در این طرح و برنامه همسر مورث در تمام طبقات منظور شده است یعنی همسر به عنوان طبقه خاص مورد لحاظ قرار نگرفته است.

۵. اموری مانند قتل مورث و کفر و لعان و نسب نامشروع موانع ارث محسوب گردیده است. انصافاً مطالعه برنامه‌ریزی اسلام در باب تقسیم اموال مورث برای وراثت نشانگر

دقیق‌ترین طرح و برنامه است (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴۵۲).

۲. در باب روابط زن و مرد

مجموعه احکام فقهی در روابط مرد و زن حکایت از طرح و برنامه حساب شده و هوشمند اسلام در این زمینه دارد. این احکام بیانگر برنامه‌ریزی ویژه اسلام برای سلامت فکری و فرهنگی و بهداشت روانی و اخلاقی و اجتماعی افراد جامعه است. در این رابطه به نکاتی اشاره می‌شود:

۱. ممنوعیت و حرمت نگاه التذازی و شهوانی زن و مرد؛
نگاه‌های التذازی و شهوانی زمینه‌ساز بسیاری از گناهان و آلودگی‌ها و باعث التهابات روحی و روانی است.
۲. ممنوعیت و حرمت لمس بدن نامحرم؛
ممنوعیت اختلاط‌ها و ارتباطات ناسالم و غیر مفید و غیر ضرور؛
۳. ممنوعیت هرگونه حرکات یا سخنان تحریک‌کننده شهوانی و جنسی؛
۴. لزوم پوشیدگی و حجاب بدن در حدود مقرر در فقه اسلامی؛
۵. استثنای وجه و کفین در پوشش در برابر غیر محارم و نیز استثنای محارم و بیان مصادیق آنها و استثنای قواعد من النساء؛
۶. توصیه و تأکید فراوان اسلام بر امر ازدواج و تسریع در آن و آسان‌گیری در انجام آن؛
۷. نکوهش فراوان نسبت به تجرد و عزوبت؛
۸. محدود کردن استمتاعات جنسی در کادر زندگی زناشویی؛
۹. اجازه انواع التذاذات مشروع در کادر زناشویی؛
۱۰. ممنوعیت پرسه‌زنی غیر ضرور زنان و دختران در کوی و برزن و بازار؛
۱۱. لزوم استیذان برای ورود به خانه دیگران؛
۱۲. تجویز گفتار و نگاه به ارتباط میان غیر محارم در حدود مشروع.

۳. در مسائل و کانون خانواده

۱. ترغیب و تأکید اسلام بر تشکیل خانواده و ازدواج؛
 ۲. نکوهش شدید نسبت به تجرد و عزوبت؛
 ۳. عدم الزام به آغاز خواستگاری از جانب مرد یا خانواده او، البته با توجه به اینکه دست آفرینش مرد را عاشق و زن را معشوق قرار داده است طبیعی تر این است که خواستگاری از طرف مرد باشد؛
 ۴. لزوم مهریه در عقد ازدواج از جانب مرد؛
 ۵. لزوم نفقه زن بر عهده شوهر؛
 ۶. وجوب تمکین جنسی بر زن نسبت به مرد؛
 ۷. منظورکردن حق قسم و مضاجعه برای زن بر عهده مرد؛
 ۸. منظورکردن حق طلاق برای مرد البته با نهی تنزیهی و کراهتی طلاق در عین عدم ممنوعیت آن؛
 ۹. سفارشات مؤکد در فقه اسلام بر روحیه سازش و عفو و گذشت و ایثار در درون خانواده؛
 ۱۰. تعیین وظایف هریک از زوجین در کانون خانواده و البته همراه با توصیه و تأکید فراوان بر روابط اخلاقی و عاطفی فراتر از وظایف فقهی و قانونی؛
 ۱۱. لزوم تشکیل دادگاه حل اختلاف پیش از طلاق و جدایی از میان وابستگان دو طرف؛
 ۱۲. تأکید و ترغیب به بچه‌دار شدن؛
 ۱۳. بیان حقوق والدین بر فرزندان و متقابلاً بیان حقوق فرزندان بر والدین؛
 ۱۴. تأکید فراوان بر لزوم احسان به والدین؛
 ۱۵. حرمت و ممنوعیت رنجاندن و ایذا و اذیت والدین؛
 ۱۶. وجوب نفقه فرزندان بر والدین و نفقه والدین بر فرزندان در صورت فقر و نیاز؛
- توجه:** طرح و برنامه فقه اسلام در دو موضوع بالا (روابط زن و مرد و کانون خانواده) نشان‌دهنده طرح و برنامه اسلام برای ایجاد استحکام و استواری کانون خانواده و

جلوگیری از سست شدن یا فروپاشی آن و نیز کاهش آسیب‌های اجتماعی و روحی و روانی و اخلاقی و همچنین حفظ کرامت و شخصیت زن و جلوگیری از ملعبه قرارگرفتن او در دست هوسبازان و خناسان و بیماردلان و حفظ مقام و موقعیت معشوق و مطلوب بودن زن در نگاه مردان می‌باشد به تعبیردیگر این مجموعه احکام فقهی بیانگر طرح و برنامه اسلام برای سلامت ارتباطات دو جنس زن و مرد و جلوگیری از آسیب‌ها و پیامدهای ناصواب و ناهنجار در این زمینه و استواری و استحکام کانون خانواده و جلوگیری از سستی و فروپاشی آن می‌باشد.

۴. در حوزه روابط اجتماعی

یکی از برنامه‌های فقه اسلامی، تثبیت و تقویت روابط اجتماعی مسلمانان و حفظ اخوت و صمیمیت اسلامی است. احکام فراوانی در فقه اسلام آمده است که هدف همه آن یا حداقل یکی از اهداف مهم آنها تثبیت و تقویت رابطه صمیمانه مسلمانان می‌باشد که به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. استحباب خوش‌خویی و خوش‌رویی و خوش‌گویی به تعبیر دیگر حُسن خلق و حُسن بشر و حُسن قول و بیان ثواب و فضیلت و منزلت والای هر یک از آنها؛
۲. استحباب ادخال سرور در قلوب مؤمنین و بیان فضیلت و ثواب فراوان آن؛
۳. استحباب سلام کردن در دیدار با مسلمانان و وجوب جواب سلام؛
۴. استحباب مصافحه و معانقه و در آغوش گرفتن یکدیگر در دیدارها و بیان فضیلت آنها؛
۵. استحباب پذیرش دعوت مسلمانان برای مهمانی و پذیرایی؛
۶. استحباب دیدار و زیارت و ملاقات مؤمنین با یکدیگر؛
۷. استحباب عیادت بیماران توصیه مؤکد و بیان فضیلت برای آن؛
۸. استحباب حضور در تشییع جنازه مؤمنین و شرکت در مراسم تجهیز اموات؛
۹. استحباب اطعام طعام و خیرات و مبرات و بیان فضیلت بالای آن؛



۱۰. استحباب صله ارحام و بیان فضیلت بالای آن؛
۱۱. استحباب مؤکد صدقات و انفاقات به نیازمندان و مستمندان؛
۱۲. استحباب مؤکد دادن قرض الحسنه به نیازمندان و بیان فضیلت والای آن؛
۱۳. استحباب عقد اخوت میان مؤمنین و تأکید بر پایبندی به لوازم آن؛
۱۴. استحباب مؤکد عفو و گذشت و ایثار و بخشش و نکوهش بدخلقی و خشم و روحیه انتقام نسبت به مؤمنین؛
۱۵. نکوهش و کراهت شدید اخلاق رذیله مانند حسادت و بخل و عجب و خودبرتربینی نسبت به مؤمنین؛
۱۶. استحباب حضور در نماز جمعه و وجوب حضور در نماز جماعت عیدین در عصر حضور و استحباب مؤکد آن در عصر غیبت؛
۱۷. وجوب حضور مسلمانان مستطیع در کنگره حج و استحباب مؤکد آن برای دیگران؛
۱۸. حرمت شدید غیبت و تهمت و تجسس و تفتیش در کار دیگران و زخم زبان و افترا و تمسخر و عیب‌جویی نسبت به مؤمنین.

۵. در حوزه امنیت اجتماعی

یک نگاه گذرا به متون دینی و فقه اسلامی کافی است که هم به اهمیت امنیت در عرصه‌های مختلف از دیدگاه فقه اسلام و هم طرح و برنامه و راهکار فقه برای جامعه عمل‌پوشاندن به آن در جامعه اسلامی آگاه شویم اینک به برخی از احکام فقه اسلام که بیانگر طرح و برنامه فقه اسلام برای تأمین امنیت تشریح شده است اشاره می‌شود.

۱. تشریح امنیت حرم در مکه مکرمه: محدوده حرم را پیامبر اکرم ﷺ برای منطقه حرم از چهارطرف مشخص فرمودند که نسبتاً منطقه وسیعی می‌باشد. حضرت ابراهیم ؑ که بنیان‌گذار شهر مکه و خانه کعبه بود در همان آغاز از خداوند درخواست کرده بود که شهر مکه را منطقه امن قرار دهد «رب اجعل هذا بلداً آمناً» (بقره: ۱۲۶) «رب اجعل هذا البلد آمناً»



قرآن در آیات متعدد به شهر امن بودن مکه به عنوان نعمت بزرگ الهی یاد می‌کند (آل عمران: ۱۷/ عنکبوت: ۶۷/ قصص: ۵۷/ تین: ۱).

امنیت حرم به معنای حرمت قتل و کشتار و جنگ و اذیت و آزار نسبت به دیگران در آن منطقه است خداوند منطقه‌ای را پناهگاه مظلومان و بی‌پناهان به عنوان منطقه امن مقرر فرمود.

۲. تشریح ماه‌های حرام و حرمت جنگ و کشتار در آن ماه‌ها در شرع مقدس: چهار ماه رجب، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم به عنوان ماه‌های حرام تعیین شده است این تشریح، نشانه اهمیت امنیت و برنامه‌ریزی برای تأمین آن است.

قرآن کریم می‌فرماید «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنِي عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ فَلَا تُظْلَمُ فِيهِنَّ أَنْفُسُكُمْ» (توبه: ۳۶-۳۷).

۳. تشریح حکومت اسلامی برای تشکیل حکومت و مدیریت و رهبریت سیاسی، اجتماعی و برای ایجاد و حفظ و پایداری امنیت در جامعه اسلامی، حضرت علی علیه السلام یکی از فلسفه‌های پذیرش حکومت را ایجاد امنیت در جامعه معرفی کرده است.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْخَطَامِ وَ لَكِنْ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَ نُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُقَامَ الْمُعْطَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ (نهج البلاغه: خطبه ۱۳).

و یا در جایی دیگر یکی از فلسفه‌های تشکیل حکومت را به نحو کلی برقراری امنیت در جامعه دانسته است.

إِنَّهُ لَا يُبَدُّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي أَمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَ يَسْتَمْتَعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَ يُبَلِّغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَ يُجْمَعُ بِهِ الْقَيْءُ وَ يُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤَخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِي حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ (نهج البلاغه: خطبه ۴۰).

۴. یکی از وظایف حکومت ایجاد امنیت سیاسی برای مظلومان و فراهم کردن شرایط دادخواهی و مطالبه حقوق خویش برای آنهاست.

لَنْ تُقَدَّسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوِي غَيْرُ مُتَّعِنٍ (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

۵. وظیفه حکومت ایجاد امنیت برای زکات دهندگان و فضای امن برای پرداخت زکات است حضرت علی علیه السلام چنین فرموده است: «با تقوای الهی برای دریافت زکات حرکت کن و در سر راه، هیچ مسلمانی را نترسان و با زور از زمین او عبور نکن و افزون تر از حقوق الهی از او مگیر! هرگاه به آبادی رسیدی در کنار آب فرودای و وارد خانه کسی مشو سپس با آرامش و وقار به سوی آنها حرکت کن تا در میانشان قرارگیری و به آنها سلام کن و در سلام و تعارف و مهربانی کوتاهی نکن پس می گویی ای بندگان خدا مرا ولی خدا و جانشین او به سوی شما فرستاد تا حق خدا را که در اموال شماست تحویل گیرم آیا در میان اموال شما حقی است که به نماینده او پردازید اگر کسی گفت نه دیگر به او مراجعه نکن و اگر کسی پاسخ داد آری! همراهش برو بی آنکه او را بترسانی یا تهدید کنی یا به کار مشکلی وادار سازی...» (نهج البلاغه: نامه ۲۵).

۶. دستور حفظ امنیت برای کفاری که در صدد تحقیق و پژوهش برای درک حقایق دین اسلام می باشند (توبه: ۹).

۷. وجوب رعایت امنیت دشمنان و کفار در حال جنگ بر اساس ضوابط مقرر در فقه اسلامی.

برای نمونه حضرت علی علیه السلام می فرماید: «با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند... اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند آن کس را که پشت کرده نکشید و آن را که قدرت دفاع ندارد آسیب نرسانید و مجروحان را به قتل نرسانید زنان را با آزار دادن تحریک نکنید...» (نهج البلاغه: نامه ۱۴).

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: «زمانی که رسول خدا لشکری را گسیل می کرد دستور می داد که آنها در برابرش بنشینند و به آنها این گونه سفارش می فرمود به نام خدا و به خاطر خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا حرکت کنید و به دشمن شبیخون نزنید و آنها را مثله نکنید

و کید و خدعه نزنید و پیران و کودکان و زنان را نکشید و درختان را قطع نکنید» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۱).

۸. برخورد سخت‌گیرانه فقه اسلامی با مرتد برخورد سخت فقه اسلامی با مرتد به دلیل حفظ امنیت داخلی جامعه اسلامی و جلوگیری از نفوذ بیگانگان و نامحرمان در حریم اعتقادات دینی مردم است. ارتداد در جامعه اسلامی نوعی ایجاد تزلزل و بی‌ثباتی و عدم امنیت است اگر در برابر مرتد سکوت شود بیم آن می‌رود که هر روز افرادی به توطئه بر ضد مسلمانان برخیزند و برای ایجاد تزلزل در ایمان مردم و برهم‌زدن امنیت فکری و اعتقادی از طریق ارتداد وارد شوند.

۹. برخورد بسیار سخت و خشن فقه اسلامی نسبت به محارب، این برخورد سخت‌گیرانه بدین دلیل است که محارب امنیت سیاسی و اجتماعی جامعه و بلکه در مواردی امنیت فکری و دینی مردم را دچار بی‌ثباتی و تزلزل می‌سازد و جامعه را دچار هرج و مرج و عدم امنیت می‌سازد. قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ، ذَلِكَ لِمَنْ خَرَبَ فِي الدُّنْيَا، وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ محارب به کسی گفته می‌شود که سلاح خود را برهنه یا آماده کند تا مردم را بترساند و در زمین فساد و خرابکاری کند چه در خشکی باشد و چه در دریا چه شهر باشد یا غیر آن، چه زن باشد و چه مرد (مانده: ۱۳).

به تعبیر دیگر کسی که از راه اسلحه مردم را تهدید کند و امنیت مردم را در معرض خطر قرار دهد و اغتشاش و اضطراب در میان مردم ایجاد کند محارب به حساب می‌آید (خمینی، ۱۳۸۰، ص ۴۹۲).

۱۰. برخورد تند اسلام نسبت به دزد، این برخورد نیز حاکی از اهمیت امنیت مالی و اقتصادی در نگاه اسلام است. اگر نسبت به کسانی که چنین تهور و جسارتی دارند که



قفل‌ها را می‌شکنند و به انبار و صندوق و امثال آنکه اموال مردم در آن حفظ و نگهداری می‌شود دستبرد می‌زنند رحم و عطوفت نشان داده شود قطعاً امنیت ملی و اقتصادی جامعه در معرض مخاطره جدی قرار می‌گیرد.

۱۱. برخورد جدی و بی‌ملاحظه اسلام نسبت به زناکار و لواط‌کننده و نیز قذف‌کننده، برخورد جدی اسلام در این موارد نشان‌دهنده اهمیت امنیتی عرضی و ناموسی و اخلاقی در جامعه است.

۱۲. تحریم شدید قتل و آدم‌کشی، این تحریم شدید نشان‌دهنده اهمیت امنیت جانی افراد جامعه در نگاه فقه اسلام است.

یکی از گناهان بسیار بزرگ که چه بسا موجب خلود در آتش شود قتل نفس محترم است. قرآن کریم می‌فرماید:

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا (نساء: ۹۴).

قرآن کریم در زمینه سلب امنیت جانی افراد جامعه و قتل و آدم‌کشی به یک نکته بسیار مهم اشاره می‌کند و آن این است که قتل یک نفر همانند قتل همه افراد جامعه است چنان‌که احیای یک فرد به مانند احیای همه انسان‌هاست.

أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا (مائده: ۳۲).

علامه طباطبایی^ع در ذیل آیه مزبور می‌نویسد: «تک تک اشخاص این نوع افراد یک نوع‌اند و شاخه‌های یک تنه درخت می‌باشند و در نتیجه یک فرد از این نوع، از انسانیت همان را دارد که هزاران فرد آن را دارند و هزاران فرد از این حقیقت همان را دارند که یک فرد دارد و تنها غرض خدای تعالی از خلقت افراد این نوع و تکثیر نسل آن این است که این حقیقت که در تک تک افراد عمری کوتاه دارد همچنان بر روی زمین باقی بماند به همین منظور نسلی را



جانشین نسل سابق می‌کند تا نسل لاحق مانند نسل سابق خدا را در روی زمین عبادت کند؛ بنابراین اگر یک فرد از این نوع کشته شود خلقت خدا تباه گشته و غرض خدای سبحان که بقای انسانیت انسان، نسل پس از نسل باطل شده است و قاتل در مقام معارضه با مقام ربوبی برآمده است» (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۵/آخوندی، ۱۳۹۴، ص ۵۱۵).

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «رسول خدا در آخرین سالی که به مکه آمدند و پس از آنکه مناسک و اعمال لازم خود را انجام دادند در منا میان جمعیت ایستاده و فرمودند در میان روزها کدام روز شریف‌تر است گفتند امروز فرمودند در میان ماها چه ماهی شریف‌تر است مردم گفتند همین ماه ذی‌الحجه فرمودند در میان شهرها کدام شهر مقدس‌تر و محترم‌تر است؟ مردم گفتند همین شهر مکه پس از آن فرمودند: بدون تردید خون، جان و مال شما محترم است و تصرف در آن بر شما حرام است مثل حرمت این روز؟ در این ماه و در این شهر و این حرمت و احترام باقی است تا روز قیامت که خدا را ملاقات کنید و از شما و کارهای شما سؤال شود بعد فرمودند آیا مطلب را رساندم؟ همه گفتند آری!» (حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۲۹، ص ۱۰).

۶. در مسائل مالی و اقتصادی

در فقه اسلام مسائل گوناگونی در مسائل مالی اقتصادی آمده است که حکایت از طراحی دقیق فقه اسلام در این عرصه دارد به برخی موارد برای نمونه اشاره می‌شود.

۶.۱. به رسمیت شناخته شدن مالکیت فردی

در اسلام برخلاف نظام سوسیالیسم و کمونیسم مالکیت فردی و شخصی به رسمیت شناخته شد و دستورات فراوانی که حاکی از حرمت و قداست مالکیت فردی افراد بر اموال خویش است صادر شده است. فقه اسلام با احترام به مالکیت فردی، انگیزه‌ای بالا برای کار و شغل و درآمدزایی و سرمایه‌گذاری ایجاد کرده است.



۶-۲. به رسمیت شناختن نظام معاملاتی و عقود گوناگون

فقه اسلام نظام معاملاتی و عقود فقهی راه‌های گوناگونی را برای دادوستد و سرمایه‌گذاری و درآمدزایی گشوده است. مشروعیت عقودی مانند خرید و فروش و اجاره و صلح و مضاربه و مساقات و مزارعه و ودیعه و عاریه و هبه درحقیقت طراحی اسلام برای ارائه راهکارهایی درجهت سرمایه‌گذاری و درآمدزایی و اشتغال است.

۶-۳. حرمت تصرف در اموال مردم

اعلام حرمت تصرف در اموال مردم بدون اذن و رضای آنها درحقیقت نوعی ایجاد امنیت مالی برای صاحبان سرمایه است.

۶-۴. تحریم ربا و رشوه به دزدی و هرگونه آکل مال باطل

این محرمات نیز درجهت طراحی فقه اسلام جهت سلامت و امنیت روابط اقتصادی در جامعه است.

جالب اینکه مجلس شورای اسلامی با کمک شورای نگهبان در دهه ۱۳۶۰ با تکیه به راهکارها و طراحی‌های اسلام، قوانین و مقررات بانک داری بدون ربا را طراحی کردند و انصافاً گام بلندی را در روزآمدکردن و مشروع‌سازی و سالم‌سازی نظام بانکی برداشتند.

۶-۵. به رسمیت شناختن مالکیت دولتی

نکته مهم در برنامه‌ریزی اقتصادی اسلام به رسمیت شناختن مالکیت دولتی است فقه اسلامی برای حاکمیت و دولت اسلامی، مالکیت بر اموال کلان و هنگفتی مانند انفال و خمس و زکات را منظور کرده است و پشتوانه مالی و اقتصادی عظیمی برای حکومت دینی در جهت اداره درست کشور و به‌اجرا درآوردن انواع پروژه‌ها و طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های عمرانی و خدماتی و تولیدی و فرهنگی و ملی فراهم کرده است.

مالکیت بر دریاها و هوا و فضا و ساحل‌ها و رودخانه‌ها و کوه‌ها و منابع و معادن زیرزمینی و امثال آن زمینه‌های مواد و نیز مالکیت و مدیریت بر خمس اموال مشخص در فقه و نیز زکات اموال معین در فقه را در اختیار دولت اسلامی قرار داده است.

۶.۶. ولایت بر وضع مالیات به دولت اسلامی

جالب این است که فقه اسلام به دولت اسلامی اجازه می‌دهد در صورت مصلحت و ضرورت بر اموال و درآمدها و سرمایه‌های مردم مالیات وضع کند و از راه دریافت مالیات، طرح‌ها و برنامه‌های خود را برای رفاه و پیشرفت و رشد و بالندگی جامعه را جامه عمل بپوشاند.

۷. در حوزه حاکمیت و مدیریت جامعه

در فقه اسلامی احکام زیادی مشاهده می‌شود که می‌توان از آن طرح حکومت اسلامی را استنتاج کرد برای نمونه به برخی از نکات اشاره می‌شود.

۱. ممنوعیت رجوع به قضات و حکام جور به‌عنوان رجوع به طاغوت. در قرآن کریم آمده است:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يَرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا (نساء: ۶۰).

۲. دستور رجوع به حکام اسلام‌شناس عادل با کفایت و سیاست (کلینی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۶۷/صدوق، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۸).

۳. دادن ولایت و اختیارات لازم به حاکم اسلامی، در فقه اسلام به حاکم اسلامی ولایت و اختیارات لازم برای مدیریت جامعه اسلامی در محدوده مصالح اجتماعی و سیاسی داده شده است.

۴. ولایت و اختیار وضع قوانین و مقررات و اجرای آنها برای تأمین مصالح اجتماعی.

۵. دستور به شور و مشورت بهره‌گیری از عقول و علوم و تجربیات کارشناسان و صاحب‌نظران.
۶. واجب نمودن پیروی از قوانین و مقررات و احکام حکومتی بر همگان.
۷. دستور ایجاد تشکیلات قضایی برای رسیدگی به دعاوی و مرافعات و مخاصمات و نیز اجرای حدود و تعزیرات فقهی.
۸. دستور ایجاد تشکیلات نیروی نظامی و انتظامی و تجهیز قوا در حدّ لازم برای ایجاد امنیت داخلی و خارجی.
۹. منظور کردن انفال و اموال کلان و فراوان دیگر به‌عنوان پشتوانه اقتصادی و مالی برای دولت اسلامی جهت اجرا و تحقق بخشیدن به ضرورت‌ها و مصالح سیاسی و اجتماعی و فرهنگی.
۱۰. تعیین حدود و مقررات کیفری برای تنبیه مجرمان و متجاوزان و جلوگیری از اشاعه قانون‌شکنی و فحشا و منکرات در جامعه.

۸. در حوزه بهداشت و سلامت

- در فقه اسلام احکام و مقرراتی وجود دارد که به‌خوبی نشان می‌دهد فقه اسلام برای صحت و سلامت بدن و جسم انسان دارای طرح و برنامه حساب‌شده‌ای است. در اینجا به برخی از نکات لازم اشاره می‌شود.
۱. استحباب مسواک زدن و خلال کردن و شانه کردن؛
 ۲. استحباب شستن دست‌ها پیش از غذا و پس از آن؛
 ۳. کراهت شدید و مذمت شدید پُر خوری و زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن؛
 ۴. حلال کردن طیبات و حرام کردن خبائث و پلیدی‌ها؛
 ۵. ممنوعیت و حرمت خوردن گوشت مردار و فاسد و غیر مذکی؛



۶. حرمت مسکرات و مخدرات؛
۷. لزوم طهارت بدن و لباس در نماز؛
۸. استحباب مؤکد نظافت بدن و لباس و بهداشت دهان و دندان؛
۹. استحباب مؤکد کوتاه کردن ناخن و موهای زاید بدن و شارب و تأکید بر بلند نکردن بیش از حد متعارف محاسن؛
۱۰. استحباب خوردن برخی از غذاها و میوه‌جات که باعث تقویت و سلامت بدن می‌شود؛
۱۱. حرمت یا کراهت خوردن برخی از غذاها که باعث تضعیف یا اضرار بدن می‌شود؛
۱۲. تشریح وضو و غسل‌های فراوان واجب و مستحب؛
۱۳. استحباب جاروب کردن منزل و بیرون درب منزل؛
۱۴. وجوب یا استحباب روزه که به تعبیر روایت پیامبر اکرم ﷺ که باعث صحت و سلامتی است؛
۱۵. ممنوعیت روزه و وضو در صورت ضروری بودن برای سلامت بدن؛
۱۶. حرمت یا کراهت خوردن هر غذای مضر؛
۱۷. جداسازی گوشت‌های حلال از حرام (کتاب الأطعمه والأشربه فقه).

۹. در سیاست خارجی و ارتباط با کفار و بیگانگان

در ارتباط با سیاست خارجی و ارتباط با بیگانگان و کفار در فقه اسلامی احکام و مقرراتی آمده است که بیانگر طرح و برنامه حساب‌شده اسلام در این باره است که به برخی از این نکات اشاره می‌شود:

۱. اصل احترام به قراردادها و عهد و پیمان‌های خارجی (مانده: ۲).
- بر اساس اصل وجوب وفای به عقد و پایبندی به عهد و پیمان، دولت اسلامی و مسلمانان موظف‌اند که به همه قراردادها و تعهداتی که با دیگران می‌بندند متعهد و پای‌بند باشند و نقض آن شرعاً روا نیست.

۲. لزوم حمایت از مسلمانان و مظلومان و مستضعفان عالم و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و ظلم‌ستیز؛
آیات و روایات زیادی بر این معنا دلالت دارد.
۳. لزوم برنامه‌ریزی برای ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی در جهت وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام؛
و خوب تقویت کامل بنیه دفاعی و آمادگی رزمی و نظامی؛
قرآن کریم و خوب تقویت بنیه دفاعی و آمادگی رزمی و نظامی را تا آنجا واجب می‌داند که برای دشمن کاملاً بازدارنده و دلهره‌آور باشد.
۵. ممنوعیت آگاهی‌بخشی اسرار نظام به کفار و بیگانگان؛
۶. ممنوعیت عضویت و جذب بیگانگان در مراکز و نهادهای حساس و اطلاعاتی و نظامی؛
۷. ممنوعیت اجازه به بیگانگان در و کفار برای استقرار هرگونه پایگاه نظامی در داخل کشور اسلامی؛
۸. و خوب طرد کامل استعمار و استثمار دول خارجی و مستکبر و متجاوز؛
۹. حرمت و ممنوعیت سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و ظلم و انظلام؛
۱۰. و خوب رعایت اصل مقابله به مثل در برابر تجاوزات خارجی؛
۱۱. و خوب نقض پیمان‌های خارجی در صورت نقض پیمان از جانب مقابل؛
۱۲. و خوب آرمان خود دانستن سعادت همه انسان‌ها در کل جوامع بشری؛
۱۳. و خوب تلاش برای پیشرفت و بالندگی کشور و تحقق بخشیدن به خودکفایی در علوم و فنون و کشاورزی و دامداری و امور دیگر؛
۱۴. و خوب بهره‌گیری از تجربیات و علوم و فنون خارجی‌ها و بیگانگان جهت تحقق بخشی به عزت و استقلال و اعلائی کلمه توحید؛
۱۵. و خوب پاسداری از وحدت و تمامیت ارضی کشور در برابر بیگانگان و سلطه‌جویان و تجزیه‌طلبان؛



۱۶. وجوب رعایت اصول عزت حکمت و مصلحت در سیاست خارجی؛
۱۷. وجوب تقدیم و ترجیح روابط با کشورهای اسلامی بر کشورهای غیراسلامی؛
۱۸. وجوب روابط حسنه و صلح آمیز متقابل با دول غیرمحراب؛
۱۹. وجوب تأمین امنیت کامل داخلی در برابر متجاوزان و متعدیان.

۱۰. در ارتباط با برده‌داری و بردگان

در فقه اسلام احکام فراوانی در ارتباط با موضوع برده‌داری و بردگان مشاهده می‌شود که نشانده طرح و برنامه خاص فقه اسلام در این رابطه است. به برخی از این احکام اشاره می‌شود.

۱. بستن راه‌های مختلف برده‌گیری جز از راه جنگ آن هم با شرایط خاص و به صورت یکی از گزینه‌ها در صورت صلاح دید؛
۲. گشودن ریچه‌های فراوان برای آزادی بردگان مانند قراردادن یکی از مصارف هشتگانه زکات و نیز کفاره تعدادی از گناهان (قتل خطای، افطار عمدی روزه ماه رمضان و حنث قسم و...)
۳. استحباب مؤکد آزادی بردگان و توصیه و ترغیب فراوان نسبت به آن؛
۴. ممنوعیت فروش کنیز صاحب فرزند و آزادشدنش با سهم الارث فرزندش پس از مرگ مولی؛
۵. تغلیب جانب حریت بر جانب رقیت و بردگی آن‌گونه که در فقه آمده است؛
۶. کراهت و مذمت شغل برده‌فروشی؛
۷. احیای شخصیت برده‌گان از طرق گوناگون؛
۸. استحباب و توصیه مؤکد بر مساوات میان خانواده خویش و بردگان.

تذکار: در این یادداشت در بیشتر موارد از ذکر آدرس‌ها و منابع مطالب به دو دلیل

پرهیز شده است.

۱. روشن و بدیهی بودن نکات مذکور در هر بخش، اهتمام نویسنده این بوده است از ذکر مطالب مشکوک و اختلافی خودداری شود.
۲. تعدد نکات مذکور در مقاله در ذیل هر بخش، اگر برای هر نکته آدرس و منبع ذکر می‌شد طولانی می‌شد.

